

چرا رئیسی درگذشت ملکه انگلیس را تسلیت نگفت؟

پس از درگذشت ملکه بریتانیا دبیر کل سازمان ملل دستور داد پرچم تمام کشورهای عضو در محوطه این سازمان در نیویورک به نشان هم‌دردی به حالت نیمه افراشته درآید و خبری منتشر نشده که دفتر نمایندگی ایران مخالفت کرده باشد.

به گزارش سایت خبری پرسون، درگذشت ملکه بریتانیا همچنان در کانون بحث و تحلیل‌های سیاسی و رسانه‌ای در دنیا است و به این بهانه به اتفاقات دوران ۷۰ ساله سلطنت او و این که نهاد کهنه سلطنت تا چه زمانی قابل دوام است و نیز به شخصیت الیزابت دوم پرداخته می‌شود.

مقامات جمهوری اسلامی ایران اما در این باره سکوت کرده‌اند و هر چند دو کشور ایران و انگلستان رابطه دارند و در لندن چند دفتر فعالیت‌های مذهبی شیعی هم دایر است و سفرها در دو پایتخت مستقرند و بریتانیا یک از طرف‌های مذاکرات احیای برجام با ایران است و بر خلاف ایالات متحده، تهران هیچ گاه از گفت‌وگوی مستقیم با لندن تن نزده اما ابراهیم رئیسی رئیس جمهوری اسلامی ایران پیام تسلیتی نفرستاده و حتی دفتر او نیز مبادارت به صدور اطلاعیه با مضامین تشریفاتی در این باره نکرده است یا حتی با مضمون طعنه‌آمیز و این امید که در عصر تازه تغییر رویه دهند.

سکوت و پرهیزی که موضوع گزارش خبرگزاری فرانسه شده و به تازگی در همین تارنما انتشار یافته است. (هر چند باید توجه داشت فرانسه و انگلستان در عین دوستی در شئون مختلف با هم رقیب‌اند. در یکی سنت و سلطنت معتبر است و در دیگری نفی سنت و جمهوریت. در یکی جنازه ملکه را می‌خواهند در کلیسا به خاک بسپارند. چه، ملکه رییس عالی کلیسا بود و در دیگری (فرانسه) همه پیوندهای خود با مذهب را گسسته‌اند و لاییک‌اند. اگر سکولارها نهادهای مذهبی را از سیاست جدا کرده‌اند و با نمادها مشکل ندارند لاییک‌ها اما نه به نهاد نه به نماد مذهب کار ندارند.)

احتمالا تصور خواهد شد با توجه به نقش محوری لندن در تحریم‌های فلج‌کننده علیه ایران در ۱۰ سال اخیر که اقتصاد ایران را دچار رشد صفر تا یک درصدی کرده و انفعال در قبال ترامپ در حالی که رییس جمهوری اعتدال‌گرای قبلی ایران به سوی اروپا دست دوستی دراز کرده بود یا سابقه استعماری بریتانیا پیام تسلیت رییس جمهوری کنونی ایران غیر عادی و ناموجه بود نه سکوت رئیسی و پرهیز اما صحبت از عرف دیپلماتیک است و تحمیل مناسباتی که چه بسا مقام سیاسی به لحاظ شخصی اکراه داشته باشد و نه سوابق سیاسی.

کافی است به یاد آوریم ۸ سال پس از پایان جنگ ایران و عراق هاشمی رفسنجانی که جانشین فرمانده کل قوا در جنگ بود و حالا بر کرسی ریاست جمهوری نشسته بود صدام‌حسین رییس جمهوری وقت عراق را (در پیامی که علیرضا مرندی وزیر بهداشت او به بغداد برد) برای شرکت در سازمان کنفرانس اسلامی به تهران دعوت کرد و نیاز به توضیح نیست که محمد خاتمی رییس جمهوری بعدی ایران و میزبان اجلاس خداخدا می‌کرده صدام نیاید و البته نیامد!

یا به یاد آوریم وزیر خارجه کنونی ایران البته در جایگاه آن روز - معاون - برای شرکت در مراسم روی کار آمدن عبدالفتاح سیسی به قاهره رفت در حالی که روابط ایران و مصر همچنان قطع است و ایران کودتای سیسی علیه مرسى را تقبیح کرده بود.

اشاره دیگر می‌تواند پیام تسلیت ولادیمیر پوتین برای درگذشت ملکه در گرامرگم جنگ اوکراین باشد در حالی که انگلستان علنا از اوکراین حمایت می‌کند و سلاح و مواد غذایی می‌فرستد و بوریس جانسون نخست وزیر پیشین با سفر به کی‌یف حمایت خود را از زلنسکی اعلام داشته بود.

با این وصف سکوت و پرهیز ابراهیم رئیسی از ابراز هم‌دردی یا تأسف در هر سطح و حتی با ادبیات سرد را تنها نمی‌توان در سوابق تاریخی جست‌وجو کرد (موارد نقض: عراق دوران صدام و مصر) یا هم‌سو با حملات نواصول‌گرایان به انگلستان دانست (چون سفارتخانه باز شده) یا دلیل آن را تحریم‌ها دانست (زیرا چین و روسیه هم پای ۷ قطعنامه تحریمی را امضا کرده بودند) و نه حتی به باورهای مذهبی نسبت داد (چون نماینده ایران در تشییع جنازه لئونید برژنف کمونیست و خداناباور هم شرکت کرده بود، این پیرزن که خدایاباور و مسیحی بوده و قرار است در کلیسا دفن شود).

از منظر دیپلماتیک و نه سیاسی و تاریخی این اجتناب را می‌توان واکنش جمهوری اسلامی ایران به نوع مواجهه دربار و دولت بریتانیا با درگذشت امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ و ۳۱ سال و سه ماه قبل دانست. چون آنها نیز سکوت کردند و تسلیت رسمی نفرستادند. در حالی که از شرکت در تشییع جنازه محمد رضا شاه پهلوی در قاهره در سال ۱۳۵۹ در سطح سفیر به سبب تأثیر منفی بر مناسبات خود با جمهوری اسلامی ایران خودداری کرده بودند.

آن سکوت و پرهیز به خاطر فضای خاص پس از فتوای امام خمینی برای قتل سلمان رشدی نویسنده انگلیسی هندی‌تبار بود که دولت بریتانیا برتافت و آن را اقدام قضایی علیه شهروند خود توصیف کرد و در چنان فضایی پیام نفرستادند.

۱۴ سال بعد و پس از زلزله بم اما برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی چارلز ولیعهد بریتانیا که اکنون پادشاه شده به ایران سفر کرد و هر چند در قالب یک انجمن خیریه و امدادی آمده بود اما از رییس جمهوری وقت ایران - سید محمد خاتمی - هم تقاضای ملاقات کرد و پذیرفته شد و دیدار گرمی شکل گرفت و تصاویر آن منتشر شد و در روزهای اخیر هم بازنشر شده است.

برخی آن ملاقات را جبران نوع مواجهه دربار و دولت بریتانیا در قبال درگذشت رهبر فقید و پایه‌گذار جمهوری اسلامی ایران دانستند و البته اصول‌گرایان سنتی که خواهان گسترش روابط با بریتانیا بودند و خود اهل رفت و آمد به لندن‌اند بر رییس جمهوری اطلاع‌طلب ایران خرده نگرفتند.

موضع نواصول‌گرایان کنونی در قبال بریتانیا اما به شدت تندتر و منفی‌تر از اصول‌گرایان سنتی است (پس‌ران متفاوت با پدران) و در جریان اشغال سفارت هم دیده شد. اشغالی که اگرچه به زیان منافع ملی و علیه دولت احمدی‌نژاد تمام شد اما سال‌ها بعد برای بری از حاضران آن رزومه و سابقه انقلابی فراهم ساخت.

با این اوصاف امتناع ابراهیم رییسی از هر نوع واکنش به درگذشت ملکه بریتانیا بر خلاف عرف رایج در دنیا و اقتضای روابط فی‌مابین را می‌توان دو گونه تفسیر کرد:

یکی در ادامه مواضع شداد و غلاظ نواصول‌گرایان بر خلاف اصول‌گرایان سنتی علیه انگلستان یا واکنش به نقش تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی در خبرپراکنی یا اختلافات دیگر و دومی که محتمل‌تر و قابل توجیه‌تر است: از حیث عرف دیپلماتیک و تشریفاتی با این توجیه که آغازکننده لندن بود که برای درگذشت امام خمینی بر خلاف سنت رایج در این کشور پیام تسلیت نفرستاد یا دفتر یادبود را امضا نکردند.

در این میان البته این خبر قابل توجه است که پس از درگذشت ملکه بریتانیا دبیر کل سازمان ملل دستور داد پرچم تمام کشورهای عضو در محوطه این سازمان در نیویورک به نشان همدردی به حالت نیمه افراشته درآید و خبری منتشر نشده که دفتر نمایندگی ایران مخالفت کرده باشد.

عصر ایران